

مطالعه تطبیقی در نظام وکالت دادگستری و ضرورت تجویز وکالت اشخاص حقوقی (شرکت خدمات حقوقی)

سام سوادکوهی فر*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران جنوب

محمد بیگی حبیب آبادی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۳/۲۲)

چکیده

وکلا حسب رویه مانوس، فعالیت خود را فردی یا با مشارکت یکدیگر انجام می‌دهند. امروزه بر اساس قوانین و مقررات برخی کشورها، وکلای دادگستری می‌توانند با عنوان شرکت‌های تجاری یا دیگر مؤسسات، تحت قوانین و مقررات خاص به ارائه خدمات حقوقی از جمله وکالت دادگستری بپردازند. در حقوق ایران، مقررات خاصی در خصوص وکالت دادگستری در قالب شخص حقوقی وجود ندارد. در عمل هم شاهد هستیم پروانه وکالت به شرکت‌ها و مؤسسات اعطا نشده است. دادگاه‌ها نیز اشخاص حقوقی را به عنوان وکیل به رسمیت نمی‌شناسند. دیگر اینکه میدان برای تأسیس نهادهای حقوقی همچون شرکت سهامی، تعاونی و مؤسسات غیرتجاری به منظور فعالیت در امر وکالت باز نشده و تجربه‌ای بسیار اندک در این زمینه مجالی برای تحرک و توسعه ساختاری فراهم نکرده است. با این حال، در ایران به دلیل نقش مؤثری که اشخاص حقوقی در این زمینه دارند، لازم است وضع موجود ساماندهی شده، به شرکت‌های حقوقی مانند سایر کشورها اجازه داده شود تحت مقررات وارد عرصه وکالت گردند.

واژگان کلیدی

شرکت وکالتی، مسئولیت وکلا، وکالت شرکتی، وکالت منفرد.

۱. مقدمه

وکالت، نیاز همیشه جامعه بشری است. حرفه وکالت در پیوند با رشد و تحول جوامع انسانی می‌تواند معیار دقیقی در ارزیابی نوع معماری تمدن‌ها و شکل‌گیری امنیت اجتماعی باشد. وکالت در طول حیات خود، گونه‌های مختلفی داشته و موضوع تغییر و تحول مفهومی در جوامع متعدد از جمله ایران بوده است. خدمت حق‌مدار به مردم و یاری مظلومان و انجام امور آنان از سوی وکلا به صورت فردی یا جمعی و در قالب قراردادهای مدنی اعم از رسمی یا عادی، امری رایج بوده است که هنوز شاهد انجام آن هستیم. وکالت جمعی یا فعالیت گروهی وکلا و مشارکت آنان با یکدیگر، با وجود مزایای بسیار در مقایسه با وکالت فردی به لحاظ داشتن محدودیت‌ها و اشکالات فراوان، توجه را به تأسیس نهاد جدیدی معطوف کرده است. تأسیس نهاد وکالت حقوقی یا وکالت در قالب شخصیت حقوقی مستقل را امروزه باید نیاز حرفه وکالت برشمرد؛ امری که با تطبیق میان سیستم‌های حقوقی تأثیر وجودی‌اش آشکار می‌شود. در نظام‌های حقوقی موجود، وکالت به سه شکل منفرد، مشارکت، و با شخصیت حقوقی مستقل یا شرکت حقوقی جریان دارد. روند تحول وکالت نشان از آن دارد که وکالت به شکل منفرد و مشارکت، با سهولت بیشتری از حیث تحقق توافق طرفینی روبرو است و سختگیری حاکمیتی کمتری درباره آن اعمال می‌شود. ولی در خصوص وکالت شخصیت حقوقی، قواعد حاکم بر آن متنوع و مسائل مرتبط سختگیرانه‌تر است. مطالعه حقوق بسیاری از کشورها نشان می‌دهد واکنش اولیه سیستم‌های مختلف به شرکت خدمات حقوقی منفی و سلبی بوده و به دلایلی، مخالف نظام حقوقی و مصالح اجتماعی پنداشته شده است. با تحولات علم حقوق در کشور های غربی، قانون‌گذاران به تدریج به وکلا اجازه دادند در قالب شرکت حقوقی متکفل انجام امور حقوقی همچون وکالت دادگستری شوند. آنان ضمن نگرانی بسیار از پیامدهای انجام وکالت در قالب شرکت، نمی‌توانستند چشم خود را بر ناکارآمدی شکل سنتی و مشارکتی آن ببندند. از این رو، ضمن پذیرش اینکه شرکت می‌تواند وکالت یا انجام امور حقوقی را متکفل شود، به منظور رفع نگرانی‌ها، به ابداع شرکت‌های جدیدی متوسل شدند تا با لحاظ قواعد خاص، میدان فعالیت برای این شرکت‌ها گشوده شود. این گرایش قانون‌گذاران موجب شد انجام وکالت دعاوی در قالب اشخاص حقوقی که اغلب از سوی شرکت‌های تجاری صورت می‌پذیرد، رشد خیره‌کننده‌ای داشته باشد و بخش بزرگی از خدمات حقوقی از طریق آنان ارائه شود.

در ایران، وکالت در قالب شخص حقوقی به مفهومی که از آن یاد کردیم، تاکنون اجرایی نشده است. مناسب است با مطالعه‌ای تطبیقی میان حقوق ایران و بعضی کشورهای فعال در این زمینه، نخست روند دگرگونی نظام وکالت حقیقی به وکالت شخص حقوقی بررسی شود،

سپس با توضیحی درباره وکالت فردی و وکالت مشارکتی، برای آشنایی با وکالت شخص حقوقی، ضمن مطالعه تاریخی علل و عوامل ممنوعیت انجام فعالیت‌های حقوقی در قالب شرکت، به راهکارهایی که برای رفع این ممنوعیت‌ها در کشورهای مختلف ارائه شده است، توجه گردد؛ پس از آن، مواضع حقوق کشورمان بررسی و پیشنهادهای مرتبط با موضوع مطرح شود.

۲. وکالت اشخاص حقیقی

از دیرباز وکالت دادگستری از سوی اشخاص حقیقی صورت می‌گرفت و آنان به دو شکل منفرد و مشارکتی به این کار مبادرت می‌کردند. معایب دو شکل یادشده، از جمله پاسخگو نبودن در قبال نیاز جامعه را می‌توان در ادامه مطالب تبیین نمود.

۲.۱. وکالت منفرد

وکالت منفرد یا سنتی اولین شکل در ارائه وکالت شمرده می‌شود که در تمامی کشورها کم‌وبیش با ضوابط و مقررات مشخص جریان دارد. در ایران، قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۲۹ق/۱۲۹۰ش، سرآغاز روند عرفی شدن نهاد دادرسی بود. پس از آن، قانون وکالت دادگستری مصوب ۱۳۰۶ش و تأسیس قانون وکلای دادگستری در ۱۳۰۹ش و سرانجام مقررات قانونی در باب وکالت با عنوان «وکلائی رسمی» تهیه شد و در ۲۵ بهمن سال ۱۳۱۵ قانون وکالت شامل ۵۸ ماده به تصویب رسید (امین، ۱۳۸۲، ص ۵۱۳ و ۵۲۷). ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۹۱م برای نخستین بار شهروندان خود را از تضمین داشتن نماینده قانونی یا وکالت رسمی دادگستری برخوردار کرد. به لحاظ حقوقی، آنان مشمول مقررات نهادی با عنوان تاجر منفرد قرار می‌گرفتند که بین شخص و واحد تجاری تفکیک قائل نمی‌شد و اساساً شخص مسئول تعهدات مربوطه بود (Clark, 1996, p.2).

وکالت منفرد امروزه کارایی خود را به میزان قابل ملاحظه‌ای ازدست داده است. این کاهش کارایی، دلایلی همچون پیچیدگی و گستردگی دعاوی و تحولات شغلی دارد.

۲.۱.۱. گستردگی دعاوی

رشد صنایع، تأثیر اطلاعات بر مبادلات و افزایش روابط اجتماعی، موجب شکل‌گیری علوم جدید و تخصص‌های نوین شده است. علم حقوق در موضوعات حقوق خانواده، تجارت، مدنی، جزا، بین‌الملل و غیره، همانند دیگر علوم به‌حدی گسترده و مبتنی بر دانش شده که امکان آشنایی در همه زمینه‌ها برای فرد تقریباً محال است. موضوعات حقوقی چند وجهی شده و به تبع آن بخش قابل توجهی از دعاوی نیز تخصصی شده است. با این وصف، نبود تبحر

لازم در تصدی پرونده‌ها از سوی یک وکیل باعث می‌شود که وکلا به‌طور منطقی از پذیرش انفرادی پرونده‌های گسترده و پیچیده، اگرچه بازخورد مالی فراوانی نیز در پی داشته باشد، خودداری نمایند. با توجه به ناکارآمدی روش تصدی وکالت منفرد در دعاوی یادشده، گرایش روزافزون به وکالت گروهی و استفاده از اندیشه جمعی امری بدیهی است. در شکل نوین، وکلایی که هریک تخصص ویژه‌ای دارند، گرد هم آمده و با خردی جمعی عهده‌دار انجام مسئولیت مرتبط با هر پرونده می‌شوند.

۲.۱.۲. تحولات شغلی

ناکارآمدی شکل سنتی وکالت، معلول نیازها و ضرورت‌های شغلی نیز می‌باشد. وکالت برخلاف گذشته، نیاز به ابزار و لوازم خاصی دارد. این لوازم به افزایش هزینه حرفه وکالت منجر شده است. نیاز به دفتر برای بحث پیرامون پرونده به امری لازم تبدیل شده و هزینه‌های دیگری همچون مالیات و استخدام همکار و منشی باعث تشدید این امر گردیده است. افزایش تعداد وکلا را هم باید عامل دیگری برای تغییر نوع فعالیت‌ها در این حرفه به‌شمار آورد. در آمریکا در سال ۱۹۵۰م تعداد وکلا دویست هزار نفر بود که این رقم در سال ۱۹۹۰م به هشتصد هزار نفر (Corlew, 1998, p. 589) و در سال ۲۰۱۳م به بیش از یک میلیون و دویست و شصت هزار نفر رسیده است (ABA Market Researc Department:2013). در ایران نیز وضعیت همین‌گونه است؛ تا سال ۱۳۸۰ش تعداد وکلا به پنج هزار تن نمی‌رسید، ولی هم‌اکنون بنابر آماري که وزیر دادگستری ارائه کرده است، شصت و سه هزار^۱ وکیل در سراسر کشور وجود دارد. حضور این تعداد در حرفه وکالت، چنانچه بیش از تقاضای بازار باشد، تأثیر نامطلوبی در امر کاربایی به‌جا خواهد گذاشت. مجموعه این امور توجه‌کننده گرایش بیش از پیش وکلا به وکالت گروهی است.

۲.۲. وکالت از طریق مشارکت و بیان مشکلات آن

کم‌رنگ شدن وکالت منفرد و تمایل به فعالیت گروهی، مشارکت در امر وکالت را افزایش داده است. مشارکت که دولت در تأسیس آن دخالتی نداشته و کاملاً به اراده اشخاص واگذار شده است، در بیشتر کشورها دارای شخصیت حقوقی نیست. در خصوص اینکه در ایران همانند

۱. آمار اعلامی از سوی وزیر دادگستری، حجت‌الاسلام مصطفی پورمحمدی، در همایش سالانه قوه قضائیه به تاریخ سی و یکم خرداد سال هزار و سیصد و نود سه نقل از خبرگزاری مهر.

سایر کشورها وکلا می‌توانند به صورت وکالت مشارکتی^۱ به فعالیت بپردازند یا خیر، به نکات زیر باید توجه داشت.

۲.۲.۱. ابهام قانونی

مشارکت ممکن است به روش‌های مختلف صورت گیرد. در نظام حقوقی ایران، قانون آیین دادرسی مدنی تنها اجازه داشتن تا دو وکیل را در هر پرونده به هر شخص داده و متعرض قرارداد وکلا با یکدیگر نشده است. در فرض اینکه وکلا در دفتر مشترک یا جداگانه فعالیت، و میان خود توافق کنند و حاصل فعالیت خود را به صورت شرکتی تقسیم کنند، دو حالت متصور است. در حالت اول، دو یا چند وکیل به موجب قراردادی توافق می‌کنند هر یک از آنها جداگانه کار انجام داده، در مزدی که به وسیله کار خود به دست می‌آورند، شریک باشند. در حالت دوم، توافق می‌کنند روی یک پرونده هر دو کار کنند و دستمزد را میان خود به نسبت توافق شده تقسیم نمایند. قانون‌گذار نسبت به قرارداد نوع اول ساکت است. از لحاظ فقهی چنین مشارکتی را می‌توان «شرکت ابدان» نامید که مشهور فقهای امامیه قائل به بطلان آن هستند، ولی بعضی فقهای امامیه، مانند محقق اردبیلی، قائل به صحت چنین قراردادهایی نیز هستند. برخی از حقوق‌دانان با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی، این‌گونه قراردادها را صحیح می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۶ و ۳۴-۳۳). به نظر می‌رسد در صورتی که شرکا به شکل انفرادی کار کنند و از کار یکدیگر اطلاعی نداشته باشند، قول به بطلان صحیح، و در صورتی که با هم در خصوص یک پرونده کار کنند یا کار هر یک مکمل کار دیگری باشد، در صحت چنین قراردادهایی با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی یا استفاده از عقد صلح، نمی‌توان تردید کرد.

۲.۲.۲. تحمیل مسئولیت سنگین بر وکلا

هرچند وکالت در قالب مشارکت بسیاری از معایب وکالت منفرد را پوشانده است، ولی برای کشورهایی که قواعدی را برای اجرای آن پذیرفته‌اند، معایبی دارد. در نظام‌های مبتنی بر کامن‌لا، یکی از مهم‌ترین ارکان تشکیل‌دهنده مشارکت، پذیرش مسئولیت نامحدود و یا تضامنی از سوی هر یک از شرکاست. در واقع، هر یک از آنان به تنهایی نایب شرکای دیگر و نایب مشارکت شمرده شده (مهاجریان، ۱۳۷۳؛ ص ۱۰۲) و در انجام امور تجاری صاحب اختیار است. تحمیل مسئولیت شرکا بر یکدیگر توسط به پدیده مشارکت را با مشکل روبرو ساخته و این نقیصه کارایی این نهاد را در نظام‌های حقوقی به شکل جدی به خطر انداخته است.

۳. وکالت شخص حقوقی در کشورهای مورد مطالعه

مواعی که برای تحول نظام وکالت از وضعیت منفرد به وضعیت وکالت شخص حقوقی وجود داشته، و سپس روند شکل‌گیری و مقررات خاصی که در کشورهای مختلف برای تثبیت آن ظهور یافته، دو موضوع است که به آن خواهیم پرداخت.

۳.۱. موانع تحول نظام وکالت منفرد به وکالت شخص حقوقی

تاریخچه ممنوعیت شخص حقوقی یا شرکت برای ارائه خدمات حقوقی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. هرچند به تازگی این ممنوعیت به طور تدریجی و فراگیر در حال رفع است، ولی یادآوری آن در کشورهای مختلف و بیان دلایل بروز موانع می‌تواند به شناخت هرچه بهتر آن کمک شایانی نماید.

۳.۱.۱. تاریخچه ممنوعیت در کشورهای مختلف

تشکیل شرکت حقوقی برای انجام کار وکالت، جدای از شرکت مدنی، دارای آثار خاص است که در نگاه بسیاری از کشورهای جهان از حدود پنجاه سال پیش امری غیرعملی تلقی می‌شد و دادگاه‌ها و قانون‌گذاران به وکلا اجازه تشکیل و فعالیت شرکت حقوقی را نمی‌دادند. بر اساس مقررات نظام حقوقی کامن‌لا، افراد حرفه‌ای همچون وکلا صرفاً اجازه فعالیت به صورت انفرادی یا در قالب مشارکت را داشتند (Blumenreich, 1998, p.277). این ممنوعیت در قانون شرکت‌های سهامی ایالت‌های آمریکا لحاظ شده بود. برای مثال، بند ۳ ماده ۱۷۰۱ قانون شرکت‌های سهامی اوهایو، تشکیل شرکت به منظور هرگونه فعالیت مشروع به جز امور حرفه‌ای (همانند حقوقی) را مجاز می‌دانست (Thomas, 1961, p.190). در کانادا نیز دادگاه‌ها انجام فعالیت‌های حرفه‌ای همانند وکالت را از طریق شخص حقوقی به رسمیت نمی‌شناختند^۱. وضعیت در کشورهای اروپایی نیز به همین ترتیب بود؛ برای مثال تشکیل شرکت خدمات حقوقی برای وکلا در فرانسه و دانمارک تا سال ۱۹۹۰م ممنوع بوده است (Joachim, 1994, p.655).

۳.۱.۲. علل ممنوعیت‌ها

اتخاذ موضع منفی در خصوص تشکیل شرکت برای ارائه خدمات حقوقی، مبتنی بر دلایلی بود. عدم صلاحیت شرکت در ورود به عرصه وکالت، مصونیت از تعقیب انتظامی، ضربه به استقلال و در آخر ایجاد اختلال در رابطه اعتماد و اطمینان میان وکیل و موکل از مهم‌ترین

۱. در کانادا، دادگاه عالی در رای کیندری علیه ام ان ار (Kindree v MNR, The Exchequer Court, 1964)، تشکیل شخصیت حقوقی برای فعالیت‌های حرفه‌ای را نپذیرفت.

مسائل قابل بررسی در این خصوص است که به طور خلاصه نکاتی پیرامون هریک ارائه می شود.

۱.۱.۲.۱. عدم صلاحیت شرکت در ورود به عرصه وکالت

بر مبنای تئوری روح و کالبد، تنها فرد حقیقی دارای اراده صلاحیت انجام فعالیت های حقوقی را دارد. افزون بر این، انجام این خدمات صرفاً از طریق فرد حقیقی دارای پروانه و دانش مهارتی بالا میسر است و از آنجا که شرکت دارای شرایط یادشده نیست، صلاحیت ورود به عالم خدمات حقوقی را ندارد.

الف) تئوری روح و کالبد

بر مبنای این تئوری، قالب شرکت خدمات حقوقی به دلیل نبود روح و کالبد و نیز داشتن شخصیت اعتباری، توان انجام امور حقوقی را ندارد (Walker, 1938, p.343). طرفداران این تئوری معتقدند، اولاً انجام امور حرفه ای از قبیل وکالت، قائم به شخص بوده و مستلزم اراده انسانی است. فقط شخص صاحب اراده می تواند صاحب حقی شود یا به تکلیفی ملتزم گردد و یگانه مصداق شخص در طبیعت، انسان است؛ چراکه در میان موجودات فقط انسان صاحب اراده است (موحد، ۱۳۵۲، ص ۴۵). این دلیل مورد توجه و استناد دادگاه ها نیز بوده است.^۱ دوم اینکه تمام وکلا برای ورود به این عرصه باید سوگند یاد کنند.^۲ سوگند ویژه اشخاص حقیقی و بااراده است و از اشخاص حقوقی نمی توان انتظار داشت که سوگند یاد کنند. به این لحاظ بعضی اعتقاد دارند چون ورود به عرصه وکالت مستلزم اتیان سوگند است، اشخاص حقوقی نمی توانند وارد این عرصه شوند. همان طور که در پرونده تپلینگ علیه پکسل^۳ که بیش از چهار قرن پیش صادر شده است، دادگاه در بیانی عام برای شرکت، وجدان، اراده و روح شناسایی نمی کند (Teemu, 2013, p.276).

ب) لزوم داشتن دانش، مهارت و پروانه

فعالیت های حقوقی امور پیچیده ای هستند و به دلیل دخالت در امور مهمی همچون گسترش عدالت، جزء مشاغل حساس به شمار می آیند. شاغلان حرفه حقوق برای انجام این خدمات

۱. در سال ۱۹۳۹م دادگاه کارولینای جنوبی در رای اکس رلدنیل علیه ولس (State ex rel. Daniel v Wells) بیان داشت: فعالیت حقوقی صرفاً از سوی شخص حقیقی انجام می پذیرد و انجام امور حقوقی همچون وکالت از طرف شرکت پذیرفته نیست.

۲. ماده ۳۹ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، مصوب آذرماه ۱۳۳۴

3. Tipling v Pexal, 1614

باید ویژگی‌های مخصوصی داشته باشند و با تلاش بسیار، دانش و مهارت لازم در این امور را کسب کنند.

بسیاری از دادگاه‌ها شرکت‌ها را برای پرداختن به امور حقوقی از جمله وکالت دادگستری دارای صلاحیت نمی‌دانند. دلیل این امر را این‌گونه عنوان می‌کنند که این فعالیت‌ها مستلزم داشتن دانش و مهارت بوده، در خصوص شرکت‌ها این امر منتفی است (walker, op cit, p.343). در اینجا به نمونه‌ای از این آراء^۱ که بیش از یک قرن پیش صادر شده و مربوط به دادگاه استیناف نیویورک در پرونده‌ای به نام شرکت تعاونی^۲ است، اشاره می‌شود:

«وکالت دعاوی یک امر تجارتي نیست که برای همه آزاد باشد، بلکه یک حق شخصی است که به افراد معدود با شرایط و ویژگی‌های خاص بعد از گذراندن دوره‌های طولانی شامل دروس عمومی و اختصاصی و گرفتن امتحان از سوی ارگان دولتی که به این منظور اختصاص یافته است، داده می‌شود. حق انجام امور حقوقی در ماهیت مستلزم مجوز و پروانه‌ای است که صرفاً از جانب دولت به افرادی که استحقاق آن را دارند اعطا می‌شود. این حق نمی‌تواند به دیگری واگذار شود یا به ارث برسد، بلکه باید با مطالعه سخت و با انجام رفتار مناسب تحصیل شود. از آنجا که این شرایط نمی‌تواند از طرف شرکت انجام شود، چنین برداشتی می‌شود که انجام امور حقوقی تجارت مشروعی برای شرکت نیست».

۳. ۱. ۲. مصونیت از تعقیب انتظامی

امروزه نیز تمامی دانش‌آموختگان رشته‌های حقوق پس از پایان تحصیلات خود سوگند می‌خورند تا خویشتن را به رعایت مقررات اخلاقی و شئون حرفه‌ای وکالت مقید سازند، ولی چون در عمل بعضی از این افراد از قواعد یادشده تخلف می‌کنند، قانون‌گذاران کشورهای مختلف مقرراتی وضع کرده‌اند تا با وقوع تخلف، شاغلان این حرفه مورد تعقیب انتظامی قرار گیرند. این واقعیت وجود دارد که شرکت قابل تعقیب انتظامی از سوی کانون وکلا نیست و هیچ نظارتی از سوی کانون وکلا بر روی شرکت وجود ندارد؛ بنابراین، دادن اجازه به یک شخص حقوقی برای ورود به عرصه خدمات حقوقی، بدون اینکه هیچ‌گونه نظارت انتظامی بر آن وجود داشته باشد، قطعاً موجب ناهنجاری‌های بسیاری خواهد شد.

۱. رای مشابه در این زمینه: رای کانون وکلا علیه تراست کمپانی Bar Association v Trust Company, Supreme (Court of Connecticut 1959).

2. Matter of Cooperative Law Co, The Court of Appeals of New York, 1910

۳. ۲. ۱. ضربه به استقلال وکلا

از آنجا که وکلا مستقل هستند و نمی‌توانند تحت امر دیگری باشند، تشکیل شرکت این امکان را به شخص حقوقی می‌دهد که در امور آن‌ها دخالت کرده، استقلال آنان را مخدوش سازد. برای مثال، ممکن است نظر وکیل آن باشد که مشکل مراجعه‌کننده با چند جلسه به صلح و سازش می‌انجامد، ولی مدیریت شرکت به دلایل مختلف بر این باور باشد که موضوع باید از طریق دادگاه پیگیری شود. چنانچه وکیل نظر مدیریت شرکت را تأمین نکند، ممکن است شغل خود را از دست بدهد. به این دلیل ممکن است وکیل به خواسته شرکت تمکین کرده، استقلال او خدشه‌دار شود.

۳. ۲. ۱. ایجاد اختلال در رابطه اعتماد و اطمینان میان وکیل و موکل

از مهم‌ترین مسائلی که در بخش ارائه خدمات حرفه‌ای (از جمله خدمات حقوقی) وجود دارد، رابطه اعتماد و اطمینان میان ارائه‌دهنده خدمت و مشتری است. این رابطه نقش مهمی در ارتقای این خدمات دارد. لذا در صورتی که قرارداد به‌طور مستقیم بین وکیل و موکل منعقد شود، در اثر آن یک رابطه اطمینان، اعتماد، وفاداری و صمیمیت میان طرفین به‌وجود می‌آید و طرفین قرارداد ملتزم می‌شوند تا پایان رابطه قراردادی به یکدیگر وفادار باشند. همچنین، وکیل متعهد می‌شود از اعمالی که به ضرر موکل است، بپرهیزد و همواره مصلحت موکل را بر مصلحت شخصی خود مقدم بدارد. این رابطه با نظم عمومی ارتباط تنگاتنگی دارد. آسیب زدن به این رابطه ممکن است سبب ورود ضرر به گیرنده خدمات حقوقی و در نهایت موجب ضرر به جامعه و اخلال در نظم عمومی شود. تشکیل شرکت برای ارائه خدمات یادشده امری است که شاید این رابطه را دچار آسیب جدی کند. دادگاه‌ها و قانون‌گذاران همواره از مخدوش شدن رابطه یادشده نگران بوده و آن را به‌عنوان دلیلی برای ممنوعیت مداخله شرکت در امور حقوقی قلمداد کرده‌اند (Johnson, 1995, p.92). در این زمینه، دادگاه استیناف نیویورک^۱ در رای مشهور خود چنین اعلام نظر نموده است:

«رابطه وکیل و موکل، یک رابطه میان کارفرما و خدمتگزار یا مستخدم در معنای محدود و والای آن است. این رابطه متضمن بالاترین اعتماد و اطمینان است و نمی‌تواند بدون رضایت و اگذار شود. چنین رابطه‌ای نمی‌تواند بین وکیل که از سوی شرکت اجیر شده تا امور حقوقی را برای شرکت انجام دهد، و مشتری شرکت وجود داشته باشد، زیرا وکیل تابع دستورات شرکت است و نه تابع دستورات مشتری. هیچ رابطه قراردادی و وابستگی خاصی بین وکیل و مشتری وجود ندارد و حتی وکیل

1. Matter of Cooperative Law Co, The Court of Appeals of New York, 1910.

خود را مرهون موکل و کسی که دادخواهی می‌کند، نمی‌داند. این شرکت است که نظارت بر دعوی مطرح شده را برعهده دارد. حق وکالت که از موکل گرفته می‌شود، به شرکت تعلق دارد و وکیل صرفاً در قبال شرکت مسئول است. صاحب کار و کارفرمای او موکل نیست، بلکه شرکت کارفرمای اوست.^۱

آنچه از رای یادشده برداشت می‌شود آن است که در اثر انعقاد قرارداد وکالت میان وکیل و موکل، رابطه خاص اطمینان و وفاداری برقرار می‌شود، ولی چنانچه شرکت واسطه میان وکیل و موکل شود، به این رابطه ضربه وارد شده، آن را مخدوش می‌کند. زیرا وکیل به موجب قراردادی که با شرکت دارد، وفادار به شرکت است و نه شخص موکل، و در انجام فعالیت‌های خود در وهله اول سعی می‌کند جانب شرکت را در نظر بگیرد. استدلال دادگاه یادشده تا حد زیادی روشن‌کننده دلیل مخالفت و قوت این ایراد است.

۲.۳. شکل‌گیری وکالت شخص حقوقی و مقررات خاص آن

مطالعه نظام‌های حقوقی در کشورهای مختلف نشانگر آن است که ایالات متحده آمریکا و بعضی کشورهای تابع کامن‌لا پیش‌تاز تدوین مقررات خاص برای شرکت‌های حقوقی بوده‌اند و پس از آن، کشورهای اروپایی فعالیت وکلا در قالب شرکت را نظام‌مند کرده‌اند. برای نظام‌مند کردن مقررات مربوط، کشورهای یادشده به ایجاد مقررات خاص دست زدند و به این ترتیب مقررات حاکم بر شرکت‌های حقوقی را تا حدی که نگرانی‌ها را رفع کند، از دیگر شرکت‌ها جدا کردند. در این قسمت، نخست به روند شکل‌گیری وکالت شخص حقوقی می‌پردازیم و سپس نگاه اجمالی به مقررات خاص حاکم بر آن خواهیم داشت.

۳.۲.۱. شکل‌گیری وکالت شخص حقوقی

در سال ۱۹۶۰م قانون‌گذاران ایالتی آمریکا شروع به تصویب قوانین شرکت‌های سهامی حرفه‌ای^۲ کردند. این قوانین به چهارصد سال ممنوعیت کامن‌لا مبنی بر ندادن جواز به شاغلان حرفه‌ای مانند وکلا برای تشکیل شرکت پایان داد (Bye and Young, p.427). امروزه تشکیل شرکت سهامی حرفه‌ای از سوی وکلا که آن را شرکت سهامی حرفه‌ای حقوقی نیز می‌نامند^۳، در تمامی ایالت‌های آمریکا با برخی اختلافات در تعابیر مجاز است (Johnson, 1995, p.92). در حقوق آمریکا، تا پیش از اوایل دهه نود میلادی، تنها شرکتی که تشکیل آن برای فعالان حرفه‌ای مانند وکلا مجاز تلقی می‌شد، شرکت سهامی حرفه‌ای بود (Gisel, 2000, p.92). از آن

۱. برای مشاهده اظهار نظر مشابه: People v Merchants Protective Corp, Court of California, 1922

2. Professional Corporation

3. Legal Professional Corporation

پس تقریباً در تمام ایالت‌ها به جز ایالت کالیفرنیا (Cartone, 2008, p.16)، اجازه فعالیت حرفه‌ای در قالب شرکت با مسئولیت محدود داده شد. ایالت‌های کانادا نزدیک به بیست سال پس از همسایه جنوبی خود اجازه تشکیل شرکت سهامی حرفه‌ای را به افراد دارای پیشه‌هایی همچون وکالت دادند. دادگاه عالی کانادا در رای کویین علیه کمبل^۱ تشکیل شرکت سهامی حرفه‌ای را برای شغل‌هایی همچون وکالت امری مجاز و قانونی تلقی کرد (Thamson, 2007, p.2). همچنین در اسپانیا در سال ۲۰۰۷م قانون شرکت‌های حرفه‌ای^۲ به تصویب رسید و به وکلا اجازه تشکیل شرکت داده شد (Rodriguez, 2010, p.99). برخی کشورها مانند استرالیا، دانمارک و فرانسه، برخلاف امریکا و کانادا، قالب جدیدی برای ارائه خدمات شرکت‌های حقوقی پیش‌بینی نکرده‌اند و ضمن پذیرش فعالیت حقوقی در قالب شرکت، صرفاً به وضع مقررات خاص برای آن اقدام نموده‌اند.

۲.۲.۳. قاعده‌گذاری‌های خاص در شرکت‌های حقوقی

با نگاهی به قوانین کشورهای مورد مطالعه، دو موضوع در قاعده‌مند کردن مسائل مربوط به شرکت‌های حقوقی به شرح زیر بیشتر جلب توجه می‌کند:^۳

الف) مسئولیت وکیل سهامدار در قبال خسارات وارده به موکل

با نگاهی به سیستم‌های مختلف حقوقی از جمله امریکا، می‌توان گفت در تمامی حالات، شرکت بر اساس اصل مسئولیت ناشی از فعل غیر پیرامون خسارت ناشی از اقدامات کارکنان و نمایندگان خود، در قبال ثالث مسئول است. اما در پاسخ به اینکه شرکا یا سهامداران نیز مسئولیتی در قبال خسارات وارده دارند، سهامدار ممکن است به دو اعتبار با شرکت ارتباط داشته باشد؛ اول به اعتبار سهامدار بودن و دوم به اعتبار اینکه به‌عنوان مستخدم در خدمت شرکت بوده و به نمایندگی از شرکت در محاکم حاضر شده و امور مختلف حقوقی را انجام داده است. در این حالت، از حیث اینکه سهامدار مستخدم نامیده می‌شود، در برابر اقدامات قصورآمیز خویش مسئول است. اما از مسائل اختلاف‌برانگیز در قوانین کشورهای مختلف، مسئولیت سهامدار صرف نظر از رابطه استخدامی او با شرکت است. وجه مشترک قوانین مختلف این است که سهامداران مسئولیتی در قبال دیون و تعهداتی که مربوط به اقدامات حرفه‌ای نباشد، ندارند. به عبارت دیگر، چنانچه دین یا تعهدی مربوط به امور تجاری معمول

1. The Queen v. Campbell, Supreme Court of Canada

2. Sociedad Profesionales

۳. رای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک. بیگی حبیب آبادی، محمد، شرکت سهامی حرفه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، شهیدبهشتی، ۱۳۹۲.

شرکت، مانند اجور معوقه، وام بانکی و خرید کالا باشد، سهامداران مسئولیتی ندارند (Johnson, 1995, p.91).

اگر در اثر اقدامات حرفه‌ای خسارتی به اشخاص ثالث یا موکلان وارد شود، قوانین و رویه قضایی. کشورهای مورد مطالعه موضع واحدی ندارند و در یک دسته‌بندی کلی آن‌ها را می‌توان به دو دسته، نامحدود بودن مسئولیت سهامداران و محدودیت مسئولیت آنان، تقسیم نمود. اتخاذ مقررات نامحدود در مسئولیت سهامداران آن است که سهامدار نسبت به اعمال قصورآمیز و اقدامات خسارت‌بار حرفه‌ای دیگر سهامداران نیز مسئول بوده، از این جهت مشابه مشارکت تجاری است. در گذشته، برخی ایالت‌های امریکا مانند آریزونا، ارگان، ویسکانزین و وایومینگ در این دسته قرار می‌گرفتند (Maycheck, 1986, p.820). در حال حاضر، تعداد کمی از ایالت‌ها مانند ارگان در این دسته باقی مانده‌اند.

در مقابل اتخاذ مقررات مسئولیت نامحدود، موضع دیگری که امروزه شایع و رایج می‌باشد، آن است که سهامداران مسئولیتی در قبال اقدامات دیگر سهامداران ندارند، که از آن به مسئولیت محدود تعبیر می‌شود. در خصوص سهامدار مستخدم که مبادرت به فعالیت به نمایندگی از شرکت می‌کند، کلیه قوانین اتفاق نظر دارند که فرد یادشده نمی‌تواند بابت اعمال قصورآمیز خویش از پوشش شرکت برای محدودیت مسئولیت خود در قبال موکل بهره‌بردار. در نتیجه در صورتی که فردی به شرکت حقوقی مراجعه کند و دعوی حقوقی خویش را به شرکت بسپارد و شرکت پیگیری دعوا را به سهامدار خود واگذار کند و در اثر تقصیر سهامدار خسارتی به موکل وارد شود، شرکت و سهامدار متضامناً مسئولند. در حقوق فرانسه، هریک از وکلای سهامدار در شرکت سهامی حقوقی شخصاً و بدون محدودیت در قبال دیون و تعهدات شرکت که ناشی از فعالیت‌های وی باشد، مسئول است. به عبارت دیگر، در خصوص خساراتی که ناشی از فعل یا ترک فعل وکیل است، وکیل و شرکت متضامناً مسئول هستند. در حقوق دانمارک، وکیل افزون‌بر شرکت، بدون هیچ‌گونه محدودیتی شخصاً در قبال کلیه دیون و تعهداتی که ناشی از انجام فعالیت حرفه‌ای خویش است، مسئولیت دارد (Joachim, 1994, p.656). در حقوق امریکا همین موضع را برخی از ایالت‌ها همچون وایومینگ اتخاذ کرده‌اند^۱.

در برخی دیگر از ایالت‌های امریکا، سهامدار مستخدم افزون‌بر اینکه مسئول اقدامات خویش است، مسئول اعمال قصورآمیز افرادی که تحت نظارت وی هستند نیز خواهد بود. به عبارت

۱. شق ۱۰۲ از بند ۳ ماده ۱۷ قانون ایالت وایومینگ در این خصوص چنین مقرر می‌دارد: «هیچ شرکت سهامی حرفه‌ای نمی‌تواند خدمات یا فعالیت حرفه‌ای ارائه کند مگر از طریق شخص یا اشخاص سهامدار یا مستخدمان دارای پروانه مجاز که هریک از آن‌ها پروانه خود را به نحو مناسبی حفظ کرده باشند و چنین اشخاصی کاملاً در قبال فعالیت‌های حرفه‌ای خود مسئول بوده، ملزم به رعایت قواعد، مقررات، ضوابط و الزامات مربوط به آن می‌باشند؛ به‌نحوی که گویی این اشخاص به شکل انفرادی فعالیت می‌کنند».

دیگر، در صورتی که وکیل برای اموری که متکفل آن است چند دستیار برای خود برگزیند، مسئول اعمال آنان نیز قرار می‌گیرد و در این حالت اگر دستیار وکیل به موکل خسارتی وارد کند، وکیل و شرکت متضامناً مسئول جبران خسارت هستند. نمونه این دسته از قوانین، بند الف ماده ۱۵۰۵ قانون شرکت تجاری نیویورک است.^۱

ب) مالکیت و انتقال سهام

موضوع دیگری که بخش مهمی از قوانین شرکت‌های حقوقی را به خود اختصاص داده، مالکیت و انتقال سهام است. در خصوص مالکیت سهام با نگاهی به حقوق کشورهای مورد مطالعه می‌توان گفت دو گونه مقررات در این زمینه وضع شده است؛ یکی اینکه کلیه سهام‌داران باید وکیل باشند و دیگر اینکه حداکثر سهام شرکت تحت مالکیت وکلا باشد. برای مثال، در فرانسه بیشتر سهام شرکت سهامی حقوقی باید در اختیار وکلا باشد و به وزارت دادگستری این اجازه داده شده است تنها تا ۲۵ درصد سرمایه کل شرکت از سوی افراد غیروکیل تملک شود. در حقوق امریکا، باید کلیه اعضای شرکت حقوقی وکیل باشند. در خصوص انتقال سهام باید گفت با توجه به مقررات، انتقال ارادی و اجباری و قهری سهام صرفاً به شخص واجد شرایط ممکن است و برای دستیابی به این هدف، قانون‌گذاران تدابیری اندیشیده‌اند؛ از جمله اینکه هرگونه انتقال برخلاف آن‌کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود. در خصوص انتقال قهری که در صورت فوت سهام‌دار پیش می‌آید، مالکیت سهام نباید به فردی که دارای شرایط نمی‌باشد، منتقل شود و به‌منظور رسیدن به این هدف، حقوق امریکا شرکت را ملزم کرده است که این سهام را بخرد و از انتقال قهری آن به فردی که دارای شرایط نیست، جلوگیری کند. در خصوص انتقال اجباری که هنگام صدور حکم دادگاه پیش می‌آید، همان مقررات انتقال قهری حاکم است.

۴. وکالت شخصیت حقوقی در حقوق ایران

وکالت اشخاص حقوقی در ایران برای رسیدن به مرحله عمل، نیاز به شناسایی وضعیت موجود از حیث تردیدها و احراز ضرورت تحول نظام وکالتی دارد.

۱. «هر سهام‌دار، کارمند یا نماینده شرکت سهامی خدماتی حرفه‌ای شخصاً و به‌نحو کامل مسئول و پاسخگو در قبال اعمال قصورآمیز یا اشتباه یا تخلف از مقررات ارتكابی از سوی خود یا هر شخصی که در هنگام انجام خدمات حرفه‌ای از جانب شرکت تحت نظارت و کنترل مستقیم وی اقدام می‌نماید، می‌باشد».

۴.۱. وکالت شخص حقوقی و تردیدها

همان‌طور که ملاحظه شد، در دیگر کشورها دو عامل عمده موجب منع پذیرش شرکت یا شخص حقوقی از ورود به فعالیت‌های حقوقی بوده است؛ اولی، اعتباری بودن شرکت تجاری که موجب عدم صلاحیت شرکت در ورود به ارائه خدمات حقوقی و مصونیت از تعقیب انتظامی می‌شود و دومی، شخصی بودن رابطه میان وکیل و موکل است که نقض آن به استقلال و شرافت وکیل تعرض کرده، اعتماد و اطمینان میان وکیل و موکل را دچار اختلال می‌کند.

۴.۱.۱. اعتباری بودن شرکت تجاری

اعتباری بودن شرکت تجاری و اینکه گفته شود شخص حقوقی نمی‌تواند از طریق مباشرت به وکالت در دعاوی مبادرت ورزد یا اینکه نمی‌توان بر اقدامات وی نظارت داشت و یا در صورت ارتکاب تخلف آن را تحت تعقیب انتظامی قرار داد، و نیز موضوع اتیان سوگند که انجام آن از سوی شخص حقوقی ممکن نیست، تمامی این اشکالات با توجه به تجربه دیگر نظام‌های حقوقی و مبانی توسعه‌ای حقوق و راهکارهای عملی، در چارچوب نظام حقوقی ایران نیز قابل رفع است. از نظر عدم صلاحیت، همان‌طور که بسیاری از نویسندگان تأکید دارند، شخص حقوقی از اجتماع اشخاص حقیقی به وجود می‌آید و می‌توان اراده آنان را به شخص حقوقی نیز نسبت داد (نفرشی، ۱۳۷۸، ص ۶۷). در واقع اراده شخص حقوقی، همان اراده مقام‌های تصمیم‌گیرنده و مدیران آن است. با توجه به تحولات یادشده، نمی‌توان گفت که شخص حقوقی اراده خاصی از خود ندارد (کاتوزیان، ۱۳۶۶، ص ۸۶، ۶۴، ۶۷). دیگر اینکه سابقه قانون‌گذاری در کشورمان در موارد مشابه، این موضوع را از حیث مبنایی مسبوق به سابقه نموده است. در امر داوری، بعضی معتقدند مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی امکان ارجاع داوری به شخص حقوقی وجود ندارد و ارجاع به این‌گونه اشخاص محدود به موارد منصوص در قانون است^۱. ولی آنچه مهم به نظر می‌رسد، آن است که ارجاع دعاوی به داوری شخص حقوقی با منع قانونی روبرو نبوده و داوری سازمانی کاملاً پذیرفته شده است. قانون‌گذار کشورمان در بند الف ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ش، انعقاد قرارداد داوری با اشخاص حقوقی را بی‌مانع اعلام کرده است. گویا حتی ارجاع داوری به شخص حقوقی بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی نیز با توجه به ماده ۵۸۸ قانون تجارت، مانعی ندارد. ارجاع دعاوی به اشخاص حقوقی به آن مفهوم نیست که شخص حقوقی انجام امر داوری را عهده‌دار شود، بلکه در واقع با تعیین شخص حقوقی به عنوان داور، به آن شخص اجازه داده می‌شود شخص حقیقی را به عنوان داور میان طرف‌های درگیر تعیین کند. بر مبنای

۱. نظریه شماره ۷/۴۷۷۲ مورخ ۹۰/۱۱/۲۹ اداره حقوقی قوه قضائیه قائل به چنین نظری است.

این استدلال، در امر وکالت نیز می‌توان شخص حقوقی یا شرکت تجاری را به‌عنوان وکیل دعاوی تعیین کرد تا آن مرجع از وکلای خود برای اقامه دعوی و دفاع از دعاوی آنان استفاده کند.

از نظر تعقیب انتظامی، اگرچه در گذشته تعیین مجازات انتظامی یا کیفری برای اشخاص حقوقی امری عجیب تلقی می‌شد، ولی امروزه در نظام حقوقی ایران اشخاص حقوقی هم مانند اشخاص حقیقی قابل تعقیب انتظامی و کیفری هستند.^۱ در خصوص سوگند شخص حقوقی، نماینده شخص حقوقی می‌تواند از جانب شخص حقوقی سوگند یاد کند؛ چنان‌که اداره حقوقی قوه قضائیه نیز اتیان سوگند استظهاری از سوی نماینده شخص حقوقی را بدون مانع اعلام کرده است.^۲

۴. ۱. ۲. شخصی بودن رابطه میان وکیل و موکل و پروانه وکالت

یکی دیگر از اموری که ممکن است به‌عنوان محدودیت برای اعطای پروانه به شرکت‌های تجاری مطرح شود، شخصی بودن رابطه میان وکیل و موکل است. همان‌گونه که ملاحظه شد، ادعای مطرح در این خصوص آن است که وجود هرگونه واسطه میان وکیل و موکل از قبیل شرکت تجاری، رابطه میان آنها را قطع کرده، موجب ضربه به استقلال، حیثیت و شرافت وکیل و اختلال در رابطه اعتماد و اطمینان میان وکیل و موکل می‌شود. این استدلال همان‌طور که پیش‌تر بیان کردیم، تا حدودی می‌تواند مانعی برای وکالت شخص حقوقی باشد، ولی این مانع با وضع مقررات خاص قابل رفع بوده، همچون سایر کشورها می‌توان با قانون‌گذاری در این خصوص این نگرانی را برطرف کرد.

۴. ۲. ضرورت تحول نظام وکالت ایران

ارتقای حرفه وکالت دادگستری و ساماندهی وضع موجود، دو امری است که ضرورت تحول و اصلاح شیوه وکالت و رفع ممنوعیت وکالت دادگستری شخص حقوقی را در ایران تعیین می‌کند.

۱. مواد ۲۰-۲۱-۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲. نظریه شماره ۷/۹۲/۶۳۱ مورخ ۹۲/۴/۸: «با توجه به اطلاق عنوان مدعی در ماده ۱۳۳۳ قانون مدنی که شامل شخص حقوقی نیز می‌شود و نظر به ماده ۵۸۸ قانون تجارت که اشعار داشته «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است...» بنابراین در موردی که اتیان سوگند استظهاری مقتضی باشد حاکم می‌تواند از نماینده شخص حقوقی درخواست کند تا بر بقاء حق خود علیه میت قسم یاد کند زیرا هیچ دلیلی وجود ندارد که اتیان قسم اختصاص به شخص طبیعی داشته باشد».

۲.۴.۱. ارتقای حرفه وکالت

اینکه شرکت‌های حقوقی موجب ارتقای حرفه وکالت می‌شوند، نزد مدافعان آن کاملاً پذیرفته شده است. تشکیل شرکت حقوقی می‌تواند به‌نحو مؤثری به افزایش درآمد وکلا بینجامد. وکالت شخص حقوقی می‌تواند دارای مزایای دیگری هم باشد:

الف) کاهش هزینه‌ها. انجام وکالت در قالب شرکت موجب کاهش هزینه‌هایی همچون دفتر و منشی می‌شود.

ب) به‌کارگیری وکلای متخصص در دعاوی پیچیده. استفاده از تخصص چند وکیل در رشته‌های مختلف و به‌کارگیری متخصصان ذی‌ربط به‌راحتی شرایط هدایت پرونده‌های سنگین را برای شرکت فراهم کرده، به آن اجازه می‌دهد چنین پرونده‌هایی را بپذیرد؛ امری که به افزایش درآمد وکلا می‌انجامد.

ج) جذب موکل و بازاریابی. با استفاده از شخص حقوقی و از جمله شرکت تجاری، مشکل جذب موکل و بازاریابی که امروز بسیاری از وکلای مبتدی با آن روبرو هستند، قابل حل خواهد بود. وکلای جوان می‌توانند با استخدام و یا عضویت در این شرکت‌ها، به‌راحتی دعاوی‌ای را که برعهده شرکت گذاشته می‌شود، تحت نظارت آن انجام داده، از تجربه وکلای قدیمی شرکت استفاده کنند.

د) رفع مشکل دعوت وکیل از جانب مراجع مختلف به صورت هم‌زمان. گاه ممکن است وکیل هم‌زمان به چند مرجع قضایی دعوت شود. با اعطای اجازه به شرکت برای انجام وکالت، آن شرکت می‌تواند در صورتی که چند مرجع قضایی در یک زمان شرکت را برای دادرسی دعوت کرده باشند، درخواست آن مراجع را اجابت کرده، با تأمین وکیل به تعداد لازم، با این گونه مشکلات روبرو نشود.

۲.۴.۲. ساماندهی وضع موجود

قطع نظر از ابعاد مرتبط با امور حاکمیتی، دخالت اشخاص حقوقی در امر وکالت دادگستری مستلزم آن است که نخست، مقررات صریحی راجع به حق اشخاص حقوقی برای انجام وکالت وجود داشته باشد؛ دوم، مشخص شود از میان اشخاص حقوقی کدام یک می‌تواند به انجام کار وکالت بپردازد؛ سوم، اعضای مؤسسه چه شرایطی باید دارا باشند؛ چهارم، در صورت بروز خسارت، مسئولیت متوجه چه شخص یا اشخاصی است.

در حقوق ایران، با توجه به مقررات موجود، پاسخ روشنی برای هیچ‌یک از پرسش‌های مطرح‌شده نمی‌توان یافت و قانون‌گذار وضعیت اشخاص حقوقی در این خصوص را مسکوت گذاشته و لازم است طی طرح یا لایحه‌ای در به‌روزرسانی مقررات وکالت و تجارت، در

خصوص هر یک تدبیری اندیشیده شود و وضع موجود ساماندهی گردد. در اینجا به بررسی مقررات موجود در زمینه پرسش‌های مطرح شده می‌پردازیم:

الف) وکالت دادگستری از سوی اشخاص حقوقی

تنها مقرره‌ای که راجع به مؤسسه حقوقی وکالتی ملاحظه شد، ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه اجرایی آن است. با وجود اینکه آیین‌نامه اجرایی این قانون از جهات مختلف ابهام‌آمیز است و جامعیت کامل ندارد، پیرامون مؤسسات حقوقی و لزوم مشاور بودن کلیه اعضای مؤسسه و کسب مجوز از قوه قضائیه، مقرراتی وضع کرده که از این حیث گامی به جلو است. اما جامعیت نداشتن آن، این است که صرفاً برای مشاوران و وکلای تابع ماده ۱۸۷ تنظیم شده است و قابل تسری به قانون‌های وکلای کشور نیست. ابهام آن هم در این است که هر چند به پذیرفته‌شدگان مشاوره حقوقی اجازه تأسیس مؤسسه داده است، ولی در خصوص اینکه مؤسسه به‌عنوان یک شخص حقوقی اجازه وکالت دادگستری دارد یا خیر، صراحتی ندارد. در عمل نیز دادگاه‌ها از پذیرش مؤسسه به‌عنوان وکیل خودداری می‌کنند.^۱ مقررۀ یادشده از این نظر که پیرامون مهم‌ترین کارکرد مؤسسه، یعنی وکالت دادگستری، موضعی اتخاذ نکرده، قابل انتقاد است.

ب) اشخاص حقوقی مجاز برای انجام وکالت

مسئله دیگر در خصوص وکالت مؤسسه حقوقی، آن است که کدام یک از اشخاص حقوقی مجاز برای انجام وکالت هستند. تبصره ۳ ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون یادشده، مؤسسه مشاوره حقوقی را تابع ضوابط و مقررات مربوط به مؤسسات غیرتجاری قلمداد کرده و به آن معناست که این مؤسسات صرفاً می‌توانند قالب مؤسسات غیرتجاری را که فاقد مقررات جامع‌اند برای فعالیت خود انتخاب کنند. در خصوص دیگر وکلا، از آنجا که انجام امور وکالت نمی‌تواند به‌عنوان یک امر تجاری شمرده شود، از میان شرکت‌های تجاری تنها شرکت‌های سهامی و تعاونی مناسب برای این امور هستند؛ زیرا در این گونه شرکت‌ها موضوع شرکت می‌تواند امور غیرتجاری باشد. بنابراین، ثبت مؤسسه حقوقی با عنوان شرکت سهامی و یا تعاونی با منع قانونی روبرو نیست. اما با وجود اطلاق ماده ۵۸۸ قانون تجارت و جواز ثبت این گونه شرکت‌ها، محاکم از پذیرش شرکت به‌عنوان وکیل، با توجه به مقررات خاص وکالت

۱. در تمام قوانین و مقررات راجع به وکالت تصریح شده است که وکیل باید شخص حقیقی (نفر) باشد و شخص حقوقی (شرکت) نمی‌تواند به‌عنوان وکیل در دادرسی شرکت کند. وکالت شخص حقوقی به شخص حقوقی دیگر در مواد مربوط به وکالت در دادگستری پیش‌بینی و تأیید نشده است (دادنامه ۱۴۱۶/۱۰۲۲۰۹۹۷۰۹۱ مورخ ۹۱/۱۱/۳۰).

خودداری می‌کنند. با این وصف، انجام پاره‌ای خدمات حقوقی و تنظیم اسناد و غیره از سوی آن‌ها، ممکن است بی‌مانع فرض شود؛ امری که در عین حال با انحراف از اصول قانونی، به بروز مشکلاتی منجر شده است؛ از جمله اینکه در عمل این‌گونه شرکت‌ها معمولاً با استخدام وکلای دادگستری یا مشاوران حقوقی، وکالت دعاوی را هم می‌پذیرند.

ج) مسئولیت مؤسسه و شرکا

مسئله مسئولیت اعضای مؤسسات و شرکت‌های حقوقی وکالتی از دیگر مطالب قابل توجه است. در صورت بروز خسارت ناشی از ارائه خدمات حقوقی، باید مشخص شود شخص حقوقی مسئول است یا شرکا یا هر دو به‌نحو تضامنی. در حال حاضر در کشورمان مقررات خاصی در این زمینه وجود ندارد و توسل به قواعد عام نیز حلال مشکلات نیست. چنانچه وکیل را مستخدم شرکت یا مؤسسه فرض کنیم، ممکن است گفته شود با توجه به ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی و یا ماده ۹۵ قانون کار، شرکت یا مؤسسه و یا کارفرما مسئول است. اما مشکل این پاسخ آن است که وکیل در کار خود مستقل است و شرکت نمی‌تواند بر کار وکیل نظارت داشته باشد و دستورات لازم را به او بدهد و در نتیجه رابطه کارگری و کارفرمایی نمی‌تواند میان آن‌ها برقرار شود.

د) مالکیت سهام

پیرامون مالکیت سهام شرکت‌های حقوقی وکالتی، مقررۀ خاصی - فارغ از مؤسسات موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه - در خصوص داشتن پروانه وکالت برای سهام‌داران شرکت وجود ندارد. اداره ثبت شرکت‌ها تا پیش از بهمن ۱۳۹۱، داشتن پروانه وکالت برای متقاضیان ثبت مؤسسه حقوقی، از جمله شرکت سهامی و تعاونی را لازم می‌دانست. پس از آن، بخشنامه شماره ۹۱/۱۹۱۵۳۶ مورخ ۹۱/۱۰/۲، الزام داشتن پروانه وکالت برای ثبت مؤسسات حقوقی را به دلیل نبود مقررۀ قانونی، منتفی دانست. با توجه به بخشنامه اخیر، سهام‌دار بودن وکیل در شرکت حقوقی الزامی نیست. هرچند در ایران قانون خاصی در این زمینه دیده نشده است، ولی رویه پیشین اداره ثبت شرکت‌ها می‌توانست جلوی بسیاری از مفاسد حضور افراد بدون پروانه وکالت را در این‌گونه شرکت‌ها بگیرد.

۵. نتیجه

وکالت دادگستری به شکل منفرد یا مشارکتی روش سنتی بوده و در قالب شرکت خدمات حقوقی ناگزیر از ابتدای آن بر قواعد حمایتی و ساختاری است. قانون‌گذاران در کشورهای

مورد مطالعه، با متقاعد شدن در قبال راه‌حل‌های حمایتی و ساختاری در رویارویی با مسائلی مانند مصونیت از تعقیب انتظامی و نیز خدشه به رابطه اعتماد و اطمینان میان وکیل و موکل، مسیر را برای تحول و تضمین بیشتر حرفه وکالت در قالب شرکت باز کرده، حق اجتماع در بهره‌گیری از مؤسسات حقوقی تخصص‌محور در امر وکالت را مشروع دانستند. در کشورمان انجام خدمات حقوقی از طریق شرکت‌های سهامی و تعاونی، اگرچه در قریب به اتفاق موارد با عدم صدور پروانه رسمی وکالت دادگستری روبرو بوده است، در عین حال باید قبول کرد که از حیث تضمین‌های حقوقی پذیرفته‌شده در دیگر کشورها نیز این ممنوعیت به اعتبار مصالح عامه و نبود قواعد حمایتی و تضمین‌کننده اصول نظارتی لازم، دارای خلأ و ابهام عملی است. به هر صورت، با توجه به اینکه لایحه جامع وکالت و نیز لایحه قانون تجارت در دست تهیه و اصلاح می‌باشد، شایسته به نظر می‌رسد شرکت‌های خدمات حقوقی مورد توجه خاص قرار گیرند و با تدوین مقررات ویژه به رفع نقیصه موجود اقدام شود. به همین منظور نگارندگان توصیه‌ها و نکات زیر را درخور توجه و تأمل می‌دانند:

- شرکت سهامی قالب مناسبی برای وکالت دادگستری است و لذا در مبحث شرکت سهامی لایحه قانون تجارت قابلیت طرح داشته، تا به مسائل پیرامون آن پرداخته شود.
- با توجه به ویژگی‌های خاصی که شرکت‌های حقوقی دارند، در خصوص مالکیت سهام در شرکت‌های یادشده، کلیه سهام‌داران یا شرکای شرکت یا حداقل بیشتر آنان باید وکلای دارای پروانه بوده، ضمن تصریح آن در لایحه قانون تجارت، در لایحه وکالت نیز به مسائل مربوط با آن پرداخته شود.
- در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از خسارات وارده بر اشخاص ثالث از سوی سهام‌داران و مستخدمان شرکت، در هر حال شرکت باید مسئولیت داشته باشد، ولی سهام‌داران شرکت، هم در قبال خساراتی که شخصاً مسبب آن بوده یا دخالت داشته‌اند و هم در قبال اقدامات افرادی که تحت نظارت مستقیم آنان قرار دارند، مسئول هستند.
- برای جبران کامل و هرچه سریع‌تر خسارات فرد زیان‌دیده، شرکت مکلف است کلیه مستخدمان و سهام‌داران شرکت خود را بیمه نماید و برای انجام این عمل باید ضمانت اجرای مؤثری مقرر شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. امین، سید حسن (۱۳۸۲). تاریخ حقوق ایران. چاپ اول، انتشارات دایره المعارف ایران شناسی.
۲. بیگی حبیب آبادی، محمد (۱۳۹۲). شرکت سهامی حرفه ای. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، شهیدبهبشتی.

۳. تفرشی، محمدعبسی (۱۳۷۸). مباحث تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری. جلد اول، چاپ اول، انتشارات تربیت مدرس.
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۶). قواعد عمومی قراردادها. جلد دوم، بهنشر.
۵. سبحانی، حسن، (۱۳۸۸). شرکت اعمال در فقه اسلامی. مجله فقه اهل بیت، سال ۱۵، شماره ۵۸-۵۹.
۶. موحد، محمدعلی (۱۳۵۲). مختصر حقوق مدنی. چاپ دوم، انتشارات مدرسه عالی حسابداری و علوم مالی.
۷. مهاجریان، عباس (۱۳۷۳). شخصیت حقوقی. چاپ اول، انتشارات فردوسی.

ب) خارجی

8. Arnold, Thomas, (1961), Incorporation of Professional in Ohio Past, Present, and Future, Akron Law Review
9. Blumenreich, Gene A (1998) Legal briefs, Journal of the American Association of Nurse Anesthetist,
10. Bokelman, Joachim, Incorporating The Modern Law Firm: A Comparative View, 1994.
11. Clark, Andrew (1996), Business Entity, London Swett & Maxwell,
12. Genaro Garcia et al v The Texas State Board of Medical Examiners and the Secretary of State of Texas, (1974) United States District Court,
13. Gisell, Grace, (2000) Corporations Practicing Law through Lawyers: Why the Unauthorized Practice of Law Doctrine Should Not Apply, Winter, Volume 65, Missouri Law Review
14. Hillman Robert W (2003), Organizational Choices of Professional Service Firms: An Empirical Study, The Business Lawyer, University of California, Davis - School of Law, March 18, 2003.
15. Johnson, Jennifer (1995), Limited Liability for Lawyers: General Partners Need not Apply, The Business Lawyer, Vol. 51, November
16. Jones, Bradley (1958), The Professional Corporation, Fordham Law Review.
17. Kindree v MNR, The Exchequer Court, 1964
18. Lewis, Walker (1938), Corporate Capacity to Practice Law - A Study in Legal Hocus Pocus, Maryland Law Review, Vol 2, Issue 4, 1938
19. Martin, Alson R (2011), Limited Liability Company & Partnership Answer Book, 3rd ed, United States of America, Aspen Publisher
20. Matter of Cooperative Law Co, The Court of Appeals of New York, 1910
21. Maycheck, Karen (1986) Shareholder Liability in Professional Legal Corporation: A Survey of the Statute, University of Pittsburgh Law Review
22. Mc Williams, Martin (1998), Limited Liability Law Practice, South Carolina Law Review, vol 49:259,
23. Nelson, Harry (2011), Understanding the Corporate Practice of Medicine Doctrine and the Role of the Management Services Organization, <http://www.fentonnelson.com/understanding-the-corporate-practice-of-medicine-doctrine-and-the-role-of-the-management-services-organization/>
24. People v Merchants Protective Corp, Court of California, 1922
25. Petition of the Bar Association of Hawaii for Adoption of a Rule Permitting Professional Incorporation of Attorneys, Supreme Court of Hawaii, November 28, 1973
26. Rodriguez de las Heras Ballell, Teresa, Introduction to Spanish Private Law: Facing the Social and Economic Challenges, first ed, Routledge-Cavendish, New York, 2010
27. Ruskola, Teemu, Legal Orientalism, Harvard University Press, 2013.
28. The Queen v. Campbell, Supreme Court of Canada, 1980
29. Thomson, David (2007). Professional Corporation, Legal Society of British Columbia, February.
30. Webb, Knight, Vicarious Liability of The Law Partner for The Malpractice of a Fellow Partner. The Journal of The Legal Profession, 199.